

## وجود و ویژگی‌های امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیدگاه علامه عبدالله جوادی آملی

فاطمه صالحی<sup>۱</sup>

### چکیده

بحث از امامت، به‌ویژه امامت امام‌زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، یکی از مباحث مهم و اساسی در مذهب شیعه است؛ به‌گونه‌ای که آنچه شیعه را از دیگر مذاهب اسلامی متمایز می‌کند، اعتقاد به تولد و وجود امام‌زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. دانشمندان شیعه برای اثبات این امر مهم، دلیل‌های متعددی آورده‌اند. در این نوشتار، موضوع مذکور به روش «توصیفی - تحلیلی» از منظر علامه عبدالله جوادی آملی بررسی شده است. ایشان در آثار علمی ارزشمند خود، با بهره‌گیری از عقل، کتاب، سنت و تاریخ، مطالب مهم و روشنگری را در این باره بیان کرده است. علاوه بر منابع پیش‌گفته، از منابع معتبری چون اصول کافی، کمال‌الدین و بحارالانوار، بهره گرفته شده است. از آن‌جاکه مهدویت از نظر علامه، ادامه راه امامت است؛ دلایل اثبات امامت برای اثبات مهدویت نیز کاربرد دارد. در دیدگاه علامه، مهدی موجود موعود، حقیقتی است ریشه‌دار در تمام ادیان و در دین مبین اسلام، آیات قرآن و نیز روایات معتبر، به حیات ایشان اشاره دارند. از دیدگاه علامه، برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شرایط ویژه‌ای است که ایشان را از بقیه افراد امت جدا می‌کند که از آن جمله است: عصمت، نص و اعلمیت.

واژگان کلیدی: مهدویت، علامه جوادی آملی، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.

اعتقاد به مهدی موعود، یکی از باورهای مسلم و عمومی مسلمانان است. پیامبر اکرم ص به طور قطعی از ظهور و قیام فردی از خاندان خود در آینده که نام و کنیه‌اش همانند او است، خبر داده است که وی بساط ظلم را برمی‌چیند و جهان را از عدل و داد آکنده خواهد کرد. او همان حجت بن الحسن العسکری ع، دوازدهمین امام و آخرین جانشین معصوم و برحق پیامبر اکرم ص است که پس از شهادت پدر گرامی‌اش عهده‌دار منصب امامت گشت و به دلایلی به غیبت مأمور گردید؛ اما در زمان غیبت نیز، مانند خورشید پس ابر، جامعه اسلامی را از انوار تابناک هدایت خود بهره‌مند می‌سازد. از آن‌جا که این باور ایمانی دارای نقش بسیار سازنده‌ای در حیات فردی و اجتماعی مؤمنان است؛ بسیاری از عالمان برجسته اسلامی را در طول تاریخ بشر به روشنگری و پاسخ به شبهات در این زمینه وادار کرده است که علامه عبدالله جوادی از این جمله است. منظور از مهدویت در این تحقیق، آموزه و اعتقادی دینی بر محور فرهنگ مهدوی است که از منظر علامه جوادی مورد بحث است؛ به‌گونه‌ای که می‌توان بر اساس آن در عرصه فردی و اجتماعی نظریه‌پردازی کرد. مقاله پیش رو تلاش دارد برای اثبات ولادت حضرت، از دلایل عقلی به همراه مستندات نقلی استفاده کند. همچنین باور به امامی را که تداوم‌بخش جریان نبوت، برخوردار از عصمت و علم برتر و نیز منصوص و منصوب از جانب خداوند است؛ اثبات کند.

### ۱. اثبات ولادت و وجود خارجی حضرت مهدی ع

اصل مسئله مهدویت در اسلام، مانند مسئله امامت، مقوله‌ای اتفاقی بین همه مذاهب کلامی و فقهی اسلام است. البته شیعه و سنی با وجود این که بر وجوب اعتقاد به حضرت مهدی ع و حتمی بودن برپایی حکومت اسلامی و جهانگیری آن اتفاق نظر دارند؛ در برخی نکات جانبی مرتبط با ایشان، دارای اختلاف دیدگاه هستند. از جمله مسائلی که مورد اختلاف نظر مسلمانان است، می‌توان به مسئله ولادت ایشان، نام پدرشان، جد بزرگوارشان (که آیا امام حسن ع است یا امام حسین ع) اشاره کرد. همچنین درباره غیبت امام، امکان زنده‌بودن و

باقی ماندنشان در طول این همه سال و راجع به عصمت حضرت اختلاف دیدگاه دارند.<sup>۱</sup> در جامعه شیعه دوازده امامی، هم در بین عالمان و صاحب نظران و هم در میان مردم عادی، تولد امام مهدی عجله الله تعالی فرجه مورد اجماع است و این مطلب از ضروریات مذهب قلمداد می شود و در این میان کسی را نمی توان سراغ گرفت که کوچک ترین تردیدی در این باره داشته باشد. این باور در جای جای آثار شیعه، از کهن ترین آن ها تا دوره های کنونی انعکاس یافته است. مرحوم کلینی در الکافی می نویسد: «مهدی عجله الله تعالی فرجه در نیمه شعبان سال ۲۵۵ متولد شده است.»<sup>۲</sup> مرحوم صدوق نیز در ضمن روایات متعددی آن را بیان کرده است<sup>۳</sup> و سید مرتضی در تنزیه الانبیاء آن را مستدل کرده<sup>۴</sup> و شیخ طوسی در کتاب الغیبه، همانند عالمان پیشین این واقعه را ذکر کرده است.<sup>۵</sup> دانشمندان شیعه تا دوره های معاصر نیز بر این مسئله تأکید ورزیده اند. مرحوم علامه طباطبایی در کتاب شیعه در اسلام می نویسد:

حضرت مهدی موعود، فرزند امام یازدهم که اسمش مطابق اسم پیامبر صلی الله علیه و آله بوده در سال دویست و پنجاه و شش و یا دویست و پنجاه و پنج در سامرا متولد شدند.<sup>۶</sup>

بنابراین، می توان گفت یکی از باورهای قطعی شیعه، اعتقاد به متولد شدن امام مهدی است؛ اما مسئله تولد حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه در میان اهل سنت، از مسائل اختلافی است که آن ها را به دو گروه تقسیم کرده است. گروهی از اهل تسنن، منکر ولادت آن حضرت هستند؛ ولی قریب به اتفاق آنان در منابع کلامی، حدیثی، تاریخی و ادبی خود به طور صریح به تولد ایشان اعتراف کرده اند. معتقدان به ولادت آن حضرت نیز در انتساب آن بزرگوار به امام عسکری عجله الله تعالی فرجه و دیگر ویژگی ها و شئون حیاتی او، از قبیل غیبت، با شیعه هم عقیده اند؛ از جمله آن ها، عزالدین ابن اثیر، متوفای ۶۳۰ هجری است که درباره حوادث سال ۲۶۰ هجری می نویسد:

۱. فتاوی، همراه با مهدی منتظر عجله الله تعالی فرجه، ج ۱، ص ۲۷.

۲. «ولد للنصف من شعبان سنة خمس وخمسين و مائتين». (کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۱۴).

۳. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۴۲، ص ۱۴۳-۱۶۱.

۴. علم الهدی، تنزیه الانبیاء و الاثمه، ص ۱۸۰.

۵. طوسی، الغیبه، ص ۲۳۹.

۶. طباطبایی، شیعه در اسلام، ص ۱۴۸.

از جمله حوادث سال ۲۶۰ آن بود که در آن ابومحمد عسکری علیه السلام وفات یافت و او یکی از امامان دوازده گانه به عقیده شیعه است که ولادتش در سال ۲۳۲ بود و او پدر محمد است که به اعتقاد شیعه از سرداب سامراء ظهور می کند.<sup>۱</sup>

این مورخ مشهور، ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه را حتمی دانسته و با ذکر این که پدر ایشان امام عسکری علیه السلام است، بر ولادت و این که ایشان فرزند بلا فصل حضرت عسکری علیه السلام است، اعتراف کرده و ایشان و پدر بزرگوارشان را به عقیده شیعه از امامان دوازده گانه می داند و حضرت مهدی را امام منتظر می نامد. از دیگر علمای اهل سنت که علامه جوادی از ایشان نقل قول می کند، ابن خلدون است. این عالم سنی مالکی مذهب که راجع به موضوع ظهور مهدی در آخرالزمان بسیار دقیق و تیزبین بوده، راهی برای انکار نداشته و موضوع را بسیار مسلم و ثابت می دانسته است. از این رو، آنچه را از اخبار راجع به این موضوع به نظر خود مسلم می دانسته، از کتاب های متفرقه اهل سنت جمع آوری کرده است. این کتاب ها غالباً در قرن سوم اسلامی تألیف شده و راویان آنها، حداکثر به چهار واسطه اخبار را از پیغمبر اسلام نقل کرده اند و اخباری که او نقل کرده، با مضمون اخبار امامیه از جهات بسیاری موافق است و جز در چند مورد جزئی اختلاف ندارند، بلکه در بسیاری از تعبیرات یک لفظ دارند.<sup>۲</sup> البته علامه جوادی در مورد شخصیت ابن خلدون معتقد است که نمی توان از ابن خلدون (که بر اثر اعتقادات خاص خود معتقد است امام حسین علیه السلام در تحلیل و برآورد قیام بر ضد یزید مرتکب اشتباه شده است و در بررسی جنگ های حضرت علی علیه السلام با قاسطین و مارقین و ناکثین با استدلال به اجتهاد صحابه، نظریات عجیب و غریب می دهد)، انتظار داشت که همه روایات مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه و قیام آن حضرت را بپذیرد، لیکن مقصود از نقل کلام ایشان اشتها مسئله مهدویت در میان همه فرقه های اسلامی در طول تاریخ است. همچنین علامه راجع به سایر تاریخ نگاران و حدیث نویسان اهل سنت معتقد است که از این لغزش مصون

۱. «... وَفِيهَا تُؤْفَى أَبُو مُحَمَّدٍ الْعَلَوِيُّ الْعَسْكَرِيُّ وَهُوَ أَحَدُ الْأَيْمَةِ الْأَثْنِي عَشَرَ عَلَى مَذْهَبِ الْأَمَامِيَّةِ وَهُوَ وَالِدُ مُحَمَّدٍ الْذِي يَعْتَقِدُونَهُ الْمُنْتَظَرَ بِسُرْدَابِ سَامِرَاءَ وَكَانَ مَوْلِدُهُ سَنَةَ إِثْنَيْنِ وَثَلَاثِينَ وَمِائَتَيْنِ» (ابن اثیر، الکافی فی التاریخ، ج ۶، ص ۳۲۰).

۲. ابن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۰.

نمانده‌اند.<sup>۱</sup> به هر حال، علامه به نقل از ابن خلدون می‌فرماید:

در طول تاریخ، در بین همه گروه‌های اسلامی مشهور شده است که ناچار باید مردی از اهل بیت پیامبر ﷺ در آخرالزمان ظهور کند که این دین را تأیید و عدل را ظاهر کند؛ مسلمانان از او تبعیت کنند و بر ممالک اسلامی استیلا یابند. او «مهدی» نامیده می‌شود.<sup>۲</sup>

حاصل مباحث مذکور، در مورد اثبات مهدویت در شیعه و اهل سنت، ما را به این تقسیم‌بندی کلی می‌رساند که شیعه در مهدویت به «مهدی شخصی» و مذهب اهل سنت به «مهدی نوعی» معتقدند. در توضیح مختصر مهدویت نوعی یا شخصی می‌توان گفت، ادیان و مذاهب مختلف در تبیین شخص موعود، دو دسته‌اند: یا موعودشان «معین» است یا «نامعین». موعود معین، فردی است مشخص با مشخصات منحصر به فرد و نام و نشانی معلوم؛ به گونه‌ای که نام پدر و مادر و حسب و نسب و حتی زمان و مکان تولد وی مشخص است و تنها دارای یک مصداق است؛ مانند حضرت مهدی صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه برای شیعه دوازده امامی. موعود نامعین، موعودی است که تنها برخی از ویژگی‌ها و اوصاف آن منجی بیان شده است و این ویژگی‌ها و اوصاف، در افراد متعددی قابل تحقق است، نه در یک فرد؛ مانند اعتقاد اهل سنت. در اصطلاح موعودشناسی به منجی متعین، مهدی شخصی؛ مهدی نوعی گفته می‌شود. در واقع تفاوت بین مهدی شخصی و مهدی نوعی آن‌جاست که مهدی نوعی، کلیت و عمومیتی دارد که بر مصادیق مختلفی قابل انطباق است، ولی مهدی شخصی تنها دارای یک مصداق است. آیت الله جوادی آملی، نیز معتقد است کسی که وجود مبارک مهدی موعود را می‌پذیرد، مهدویت شخصی را قبول دارد.<sup>۳</sup>

۱. جوادی آملی، ادب فنای مقربان، ج ۳، ص ۲۴۶.

۲. «إعلم أنّ المشهور بين الكافة من أهل الإسلام علي ممرّ الأعصار أنه لابدّ في آخرالزمان من ظهور رجل من أهل البيت يؤنّد هذا الدين و يُظهر العدل و يتبعه المسلمون و يستولي علي الممالك الإسلامية و يسمي بالمهدي...» (ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون، ج ۱، ص ۳۱۱).

۳. جوادی آملی، امام مهدی موجود موعود، ص ۱۸.

## ۱-۱. اثبات ولادت حضرت حجت

نقل‌ها و گزارش‌های تاریخی، بیانگر تولد و زندگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه هستند. این اخبار تاریخی علاوه بر اثبات وجود و تولد ایشان، به بیان بعضی از ویژگی‌ها و خصوصیات ایشان اشاره کرده‌اند. در ادامه به بعضی از این گزارش‌ها که از بیانات علامه به دست می‌آید، اشاره کوتاهی می‌شود.

ایشان بر اساس فرموده حضرت ختمی نبوت ص و گفتار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، امامان معصوم و جانشینان راستین رسول اعظم خدا را دوازده نفر می‌داند<sup>۱</sup> و معتقد است اسامی آن ذوات مقدس و تمام ویژگی‌های هویت آنان ترسیم و تقریر شده است. همچنین از مطالعه تاریخ و سیره به دست می‌آید که یازده نفر از امامان معصوم علیهم السلام به دنیا آمده و امامت کرده و با شمشیر یا زهر به شهادت رسیده‌اند؛ و بر پایه حکم مسلم عقل و نقل، هرگز جامعه انسانی بی امام معصوم نخواهد بود و زمین هرگز از حجت ذی عصمت خالی نیست.<sup>۲</sup> همچنین علامه، در مورد این مسئله به استعانت از عقل در کنار استمداد از نقل، می‌فرماید: «امام معصوم دوازدهم متولد شده و اکنون زنده است و هر زمانی که خدا بخواهد، ظهور خواهد کرد؛ نه آن‌که بعداً متولد گردد یا نه آن‌که قبلاً متولد شده و رحلت کرده باشد.»<sup>۳</sup>

## ۲-۲. روش عقلی علامه جوادی در اثبات وجود خارجی حضرت حجت

مسئله اعتقاد به وجود امام مهدی عجل الله تعالی فرجه دارای ارتباط تاقی با مسئله رهبری (امامت) است. اجتماع، زعیم می‌خواهد و هیچ کس در این زمینه تردید ندارد. هم شیعه قبول دارد و هم سنی و هر دو دسته بر این مطلب دلیل عقلی و نقلی اقامه کرده‌اند؛ ولی شیعه امامیه از آن‌جا که امامت را از اصول می‌داند، سنخ ادله او بر وجود امام در هر زمان با سنخ ادله‌ای که اهل سنت اقامه می‌کنند، تفاوت اساسی دارد.<sup>۴</sup> در این بخش ادله عقلی که علامه جوادی، بر وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه اقامه کرده است، بررسی می‌شود:

۱. کلینی الکافی، ج ۱، ص ۵۲۹.

۲. جوادی آملی، امام مهدی موجود موعود، ص ۱۰۳.

۳. همان، ص ۱۰۴.

۴. رضوانی، وجود امام مهدی عجل الله تعالی فرجه در پرتو عقل، ج ۱، ص ۵۸.

## الف) برهان عقلی امکان

علامه جوادی درباره وجود مبارک حضرت حجّت عجلت تعالی فرجه، از «برهان عقلی بر امکان» استفاده می‌کند. ایشان بر اساس حکم عقل و بر اساس این برهان، داشتن عمر طولانی را برای انسان کامل امکان‌پذیر می‌داند و در توضیح این برهان می‌فرماید:

چون انسان‌ها به دیدن عمرهای کوتاه عادت کرده‌اند، قبول این مسئله سخت خواهد بود؛ اما اگر شخصی، از همه علل و عوامل طبیعی آگاه باشد و آنچه برای او سودمند است، فراهم کند و از آنچه برای او زیان‌بار است بپرهیزد؛ می‌تواند عمر طولانی داشته باشد. علامه این مسئله را خارق‌العاده می‌داند؛ نه خارق عقل. بنابراین، علم نیز به چنین چیزی راه نیافته است؛ زیرا علم به امور عادی راه دارد، نه امور غیرعادی.<sup>۱</sup>

حضرت علامه در ادامه، چند مقدمه را برای روشن‌شدن بحث بیان می‌کند:

در مقدمه اول، علامه، حیات طولانی امام زمان عجلت تعالی فرجه را بر خلاف عادت می‌داند، نه بر خلاف علیّت؛ یعنی معتقدند، به طور عادی کسی نمی‌تواند، هزار یا ده‌هزار سال زندگی کند؛ اما به صورت غیرعادی (خرق عادت) این کار ممکن است.<sup>۲</sup> مقدمه دوم را ایشان با این سؤال که «اگر بدانیم انسان چیست و چه کسی بدن او را اداره می‌کند؟» توضیح می‌دهد:

وقتی پاسخ سؤالات برای ما واضح باشد، اصلاً این پرسش برای ما مطرح نمی‌شود. برای مثال برای عرفاً و حکمای بزرگ، اصلاً چنین پرسش‌هایی مطرح نمی‌شود. پاسخ تفصیلی ایشان این‌گونه است که همه ذرات بدن در حرکت و تعویض است و روح آدمی همه حرکات این ذرات را تحت کنترل دارد. حال اگر روح انسان کامل، بر خلاف عادت (نظم عادی)، بهترین سلول‌ها را جایگزین کند و دقیق‌ترین کنترل‌ها را روی قسمت‌های مختلف بدن داشته باشد، یک انسان کامل می‌تواند، میلیون‌ها سال

۱. مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه قم، هفته‌نامه افق حوزه، شماره ۳۱۶، پاسخ حضرت آیت الله جوادی آملی در آستانه

فرارسیدن میلاد حضرت بقیة الله الاعظم عجلت تعالی فرجه به چهار پرسش مهدوی، ۱۳۹۰/۴/۲.

۲. همان.

زنده بماند (این مطلبی است که در علم پزشکی امروز به اثبات رسیده است). از نظر علامه، اگر کسی روح و سلطه آن را بر بدن خود بشناسد و سیلان، حرکات و تعویض ذرات بدن را تحت کنترل روح بداند و نیز کمی با حکمت و عرفان آشنا شود، این اشکال که چگونه یک انسان می‌تواند یک یا دو میلیون سال یا بیش تر بماند، برای او مطرح نمی‌شود. اگر پیوند روح با خالق جهان هستی به اندازه‌ای بود که قدرت خاصی ما فوق قدرت افراد عادی یافت، می‌تواند همان‌طور که بدن خود را می‌گرداند، خارج از بدن خود را هم اداره کند؛ زیرا خارج از روح او هم حکم بدن او را دارد. پس، همه کرامات محال عادی هستند؛ نه محال عقلی که محال عقلی، کرامت یا اعجاز بردار نیست و حیات حضرت ولی عصر عجله تعالی فرجه محال عادی است، نه محال عقلی.<sup>۱</sup>

### ب) برهان واسطه در فیض

طبق نظر علامه جوادی، اهل بیت عصمت و طهارت به‌عنوان انسان‌های کامل معصوم، «واسطه فیض» خداوند هستند. به بیان دیگر:

اگر آن‌ها نمی‌بودند پیوندی میان خدا و مخلوقات نبود و فیوضات خداوند مجرای پیدا نمی‌کرد، یعنی هیچ‌چیز خلق نمی‌شد؛ در نتیجه قدرت خدا و یگانگی او هیچ‌گونه ظهور و بروز نمی‌داشت.<sup>۲</sup>

ایشان بر این باورند که وقتی فرشتگان، احکام و امور را به زمین می‌آورند، باید آن را به کسی بسپارند و چون افراد عادی نمی‌توانند میزبان فرشتگان باشند و احکام صادره را تحویل بگیرند، پس تنها کسی که در روی زمین مهمان‌دار فرشتگان و تحویل گیرنده این امور و مقدرات است، وجود مبارک ولی عصر عجله تعالی فرجه است، بنابراین، در شب قدر که همه فرشتگان به همراهی جبرئیل علیه السلام مقدرات امور را نازل می‌کنند، باید آن را به کسی بسپارند و به او گزارش بدهند؛ گیرنده این امور وجود مبارک ولی عصر عجله تعالی فرجه است.<sup>۳</sup>

۱. همان.

۲. جوادی آملی، ادب فنای مقربان، ج ۴، ص ۹۵.

۳. همان، مجله افق حوزه، شماره ۳۱۶، جلسه پرسش مهدوی از حضرت آیت الله جوادی آملی، ۱۳۹۰/۴/۲۹.



## ج) برهان انسان کامل

چنان‌که در قبل‌تر بیان شد، از دیدگاه علامه، نبوت و امامت بر مقام «خلافت الاهی» استوار است. از این رو، لازم است که اوصاف حضرت حق، در انسان کامل به‌عنوان مظهر تام او به منصفه ظهور برسد. «خلیفه الله» در باور علامه، تنها شخصی است که می‌تواند عصمت مطلق را بازتاباند و تجلی بخشد. او همان انسان کاملی است که مظهر جامع همه اسمای حسناى الاهی و اوصاف خداوندی است. انسان کامل معصوم خزینه‌دار جهان غیب و شهود و کلیددار آسمان و زمین است و این انسان، معلم فرشتگان است و فرشتگان این کلید را با کیفیت گشودن آسمان و زمین، از انسان کامل فراگرفته‌اند. پس آسمان و زمین از گنجینه‌های الاهی لبریز است.<sup>۱</sup> بنا بر نظر علامه، امروز در سرتاسر جهان هستی، انسان کاملی جز وجود مبارک بقیة الله الاعظم مهدی موجود منتظر عجل الله فرجه نیست. او معلم فرشتگان و آدمیان، دارای مقام عصمت مطلق و «خلیفه الله الاعظم» است.<sup>۲</sup>

### ۲-۳. روش نقلی علامه جوادی در اثبات وجود خارجی حضرت، با رویکرد روایات

یکی دیگر از راه‌های اثبات وجود حضرت حجت عجل الله فرجه بررسی روایاتی است که مورد توجه علما و اندیشمندان اسلامی قرار گرفته‌اند. علامه جوادی نیز، در بیان ادله نقلی اثبات وجود خارجی حضرت مهدی عجل الله فرجه، به تعدادی از روایات و احادیث معصومان علیهم السلام استناد می‌ورزند. این روایات را می‌توان در سه دسته تقسیم‌بندی کرد:

### ۲-۳-۱. روایات مربوط به وجود حضرت حجت

حضرت مهدی موعود کسی است که قبل از ائمه اطهار علیهم السلام، از سوی انبیا مورد تصدیق قرار گرفته است. از منظر علامه، جمله کارهای گوناگون انبیا علیهم السلام، تصدیق انبیای پیشین و بشارت به پیامبران پسین بوده است: «مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ»<sup>۳</sup>؛ «وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي»<sup>۴</sup> از

۱. پیام جوادی آملی، عبدالله، پیام حضرت آیت الله جوادی آملی به همایش دکترین مهدویت، وبگاه

www.farsnews.com سال ۱۳۸۶.

۲. امام مهدی عجل الله فرجه موجود موعود، ص ۱۱۷.

۳. بقره: ۹۷.

۴. صف: ۶.

منظر علامه، «دین» انبیا همه از حقیقتی واحد منشأ می‌گیرند و آن‌ها از یک ذات سخن می‌گویند و مردم را به همان مبدأ واحد می‌خوانند. از این رو، هر پیامبری، پیامبر پیشین را تأیید می‌کند و زمینه تبشیر پیامبر بعدی را فراهم می‌آورد. ائمه علیهم‌السلام نیز، هر یک زمینه ظهور امام بعدی را فراهم و امامان گذشته را تصدیق می‌کرده است؛ ولی بشارت تمام امامان به ظهور امام قائم، ویژگی منحصر به وجود مبارک ولی عصر عجل‌الله‌فرجه است که خاتم اوصیاست. این تصدیق و تبشیر، نشانه هماهنگی و هم‌آوایی سلسله ولایت و نظیر هم‌آوایی سلسله نبوت و رسالت است.<sup>۱</sup> این تصدیق در دوران اسلام توسط رسول گرامی اسلام و ائمه بارها تکرار شده است که ذیلاً به مواردی از آن‌ها که مورد بررسی علامه قرار گرفته است، اشاره می‌شود:

### الف) حدیث ثقلین

از جمله احادیثی که بر وجود امام معصوم در هر زمان تا روز قیامت دلالت دارد «حدیث ثقلین» است. حضرت علامه جوادی معتقدند حدیث ثقلین، حدیث متواتر و مشهوری در میان تمامی فرقه‌های مسلمانان است. وجود مبارک نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند:

إني تارك فيكم الثقلين؛ كتاب الله و عترتي أهل بيتي؛ و إنهما لن يفترقا حتى يردا عليّ الحوض؛ همانا من در میان شما دو چیز قرار می‌دهم که با تمسک به آن‌ها هرگز گمراه نخواهید شد و یکی از آن دو از دیگری عظیم‌تر است: کتاب خدا، ریسمانی کشیده شده از آسمان به طرف زمین، و عترتم اهل‌بیتم، هرگز این دو از هم جدا نمی‌شوند تا بر من در کنار حوض وارد شوند.<sup>۲</sup>

در دیدگاه علامه، پر واضح است که در زمان حاضر، این شخص کسی نیست غیر از حضرت مهدی عجل‌الله‌فرجه، فرزند امام حسن عسکری علیه‌السلام؛ زیرا در این زمان، امامی که بر او چنین ادعایی شود و صفات موجود در حدیث «ثقلین» بر او منطبق گردد، غیر از حضرت مهدی عجل‌الله‌فرجه شخص دیگری وجود ندارد و لذا باید هم به وجود او قائل باشیم و هم به غیبتش.<sup>۳</sup>

۱. جوادی آملی، امام مهدی عجل‌الله‌فرجه موجود موعود، ص ۵۷.

۲. طوسی، الامالی شیخ طوسی، ص ۵۴۸. این حدیث شریف با اندک اختلافی در جوامع روایی عامه همانند صحیح مسلم، مسند احمد حنبل و سنن دارمی نقل گردیده است. برای اطلاع بیش‌تر (ر.ک: الغدير، ج ۱، ص ۳۰ و ۱۷۶).

۳. جوادی آملی، امام مهدی عجل‌الله‌فرجه موجود موعود، ص ۷۰.

علامه، در تفسیر این حدیث همچنین می‌افزاید، بر مبنای این اصل جدایی ناپذیر، هرگز مسیر علمی و عملی قرآن و عترت از هم جدا نمی‌شوند؛ چنان‌که قول و فعل و امضای امامان معصوم علیهم‌السلام مفسر کلام خداست و آیات قرآن کریم، مبنای علمی و عملی عترت‌اند. هرگز عترت به چیزی فرمان نمی‌دهد که قرآن از آن نهی می‌کند و از چیزی باز نمی‌دارد که قرآن، انجام دادنش را می‌پسندد.<sup>۱</sup> همچنین، از منظر ایشان قرآن و عترت طاهره، حقیقت یگانه‌ای هستند که در مقام ظهور، دو گونه وجود یافته‌اند و هر یک از این دو گوهر تابنده، ظاهراً غیر از دیگری است؛ اما در واقع قرآن «وجود تدوینی» عترت است و عترت «وجود تکوینی» قرآن. لذا در مقام اثبات، قرآن مؤید عترت و نیز اهل بیت علیهم‌السلام مبین هم‌تای خودند. هماهنگی بلکه یگانگی و جدایی ناپذیری قرآن و عترت را، نبی مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در حدیث متواتر ثقلین که در میان تمامی فرقه‌های مسلمانان مشهور است، بیان فرموده‌اند. بر این اساس، مسیر هدایت با تمسک به عترت همراه با قرآن، پیمودنی است.<sup>۲</sup> ایشان معتقدند که ائمه، قرآن ناطق‌اند و حقیقت قرآن و ائمه یکی است و اگر قرآن به صورت انسان نمود کند، می‌شود ائمه و اگر قرار باشد ائمه به صورت کتابی در آیند، قرآن خواهند شد و این حقایق برای آن است تا مبادا غفلت و جهالتی از صراط مستقیم صورت گیرد.<sup>۳</sup>

### ب) حدیث معرفت امام

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «من مات و لیس له امام مات میتة جاهلیة؛ هرکس بمیرد، درحالی‌که برای او امامی نیست، به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است».<sup>۴</sup>

از این حدیث به‌خوبی استفاده می‌شود که در هر زمانی باید امامی معصوم وجود داشته باشد تا مردم در ابتدا او را بشناسند و سپس با او بیعت قلبی کنند و تحت سلطه او قرار گیرند و او را به طور مطلق اطاعت کنند، تا به مرگ جاهلی از دنیا نروند؛ امامی که خروج از سلطه و طاعتش به منزله خروج از اسلام باشد. این امام در عصر و زمان ما کسی جز حضرت

۱. همان.

۲. همان.

۳. جوادی آملی، پیام به همایش مهدویت، ۱۳۸۹/۸/۵.

۴. مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۲، ص ۳۳۱.

مهدی عَلَيْهِ السَّلَام نیست؛ زیرا او آخرین امام معصوم از دوازده امام معصومی است که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از آمدن آنان تا روز قیامت برای رهبری جامعه اسلامی خبر داده است؛ کسانی که قوام دین اسلام به آنان وابسته بوده و بقای و عزت آن نیز به وجودشان گره خورده است.

دیدگاه علامه در باب حدیث معرفت امام این است که شیعه و غیرشیعه از وجود مبارک خاتم الانبیاء صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل کرده‌اند که هر کس بمیرد و امام‌زمانش را نشناسد مرگ او مرگ جاهلی است.<sup>۱</sup> در باور علامه، اگر انسانی بمیرد، در حالی که امام زمان خود را نشناسد تا مطیع ولی‌اش باشد، به مرگ جاهلی از دنیا رفته است. مرگ جاهلی، نشانه زندگی جاهلانه است؛ چرا که مرگ عصاره حیات است. کسی که خوب زندگی می‌کند، نیکو می‌میرد و هر که بد به سر می‌برد، مرگ بد دارد؛ زیرا مرگ جز چشیدن عصاره زندگی نیست.<sup>۲</sup>

همچنین علامه معتقد است، کسی که امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام خود را نشناسد و با او پیوند ولایی برقرار نکند، به وصیت هیچ یک از انبیا عمل نکرده است؛ و مرگ او، مرگ جاهلی است و از آن‌جا که مرگ عصاره زندگی است، وقتی مرگ جاهلی بود، معلوم می‌شود زندگی او نیز زندگی جاهلی بوده است<sup>۳</sup> و چون زندگی او جاهلی است، همه شئون و سنن حیاتی او، همانند جاهلیت سپری خواهد شد؛ اما، هر کس امامش را بشناسد و بداند که امام از اعمالش به اذن خدا آگاه است، قهراً منتظر حضرت خواهد بود؛ بدان معنا که در عمل به خواسته‌های آن امام که همانا دستورهای شرع است، اهتمام خواهد ورزید و از این راه، به امام خود توفی خواهد داشت و آن هنگام، زندگی و مرگ او «عاقلانه» خواهد بود.<sup>۴</sup>

### ج) حدیث خالی نبودن زمین از حجت خدا (حدیث وجود حجت خدا در هر زمانی)

بر اساس اعتقاد به ضرورت وجود حجت الاهی در هر عصری، خداوند از ابتدای آفرینش تا روز قیامت همواره انسان‌های شایسته‌ای را به‌عنوان حجت‌های خود بر مردم برگزیده است و انسان‌ها هیچ‌گاه از این حجت‌ها بی‌نیاز نمی‌شوند. نظر علامه جوادی این است که در مورد

۱. «من مات و لم يعرف إمام زمانه مات میتة جاهلیة». (شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۸۱).

۲. جوادی آملی، امام مهدی موجود موعود، ص ۲۹.

۳. «كما تعيشون تموتون و كما تموتون تبعثون» (ابن ابی جمهور، عوالی اللآلی، ج ۴، ص ۷۲).

۴. همان، ص ۳۰.

ضرورت وجود حجّت خدا در هر زمانی، روایات فراوانی وجود دارند؛ مانند: «اگر زمین بدون امام باقی بماند، از بین می‌رود.»<sup>۱</sup> و «اگر زمین حتی یک ساعت از حجت خدا خالی باشد، اهل خود را فرومی‌برد.»<sup>۲</sup>

ایشان این روایات را به کمک بخشی از دعای زیارت جامعه کبیره: «و بکم یمسک السماء أن تقع علی الأرض»<sup>۳</sup> تفسیر و تبیین می‌کند. برآیند روایت مذکور از منظر علامه این است که خداوند متعال با «ولایت» که عمود نظام هستی است، آسمان‌ها و زمین را حفظ می‌کند. روایت اول بر این ادعا برهان می‌آورد که خدای سبحان در حفظ نظام هستی، ائمه علیهم‌السلام را وسیله قرار داده است. ولایت انسان کامل معصوم، مانند روحی است برای این نظام هستی. وجود مبارک حجت خدا و امام زمان علیه‌السلام، وسیله‌ای است که مظهر «نور السموات و الارض»<sup>۴</sup> است؛ نوری که نه خاموش شدنی است و نه از بین رفتنی و کم شدنی. امام در منظر علامه این چنین است.<sup>۵</sup> همچنین علامه با ذکر روایتی از نهج البلاغه به این نکته اشاره می‌کند که حجت‌های الهی همواره ظاهر و آشکار نیستند و چه بسا که در برخی دوره‌ها، بر اساس مصالح و حکمت‌هایی، از دیدگان مردم پنهان شوند. آری؛ زمین هیچ گاه از حجت الهی خالی نیست؛ حجتی که برای خدا با برهان روشن قیام کند، یا آشکار و شناخته شده، یا بیمناک و پنهان؛ تا حجت خدا باطل نشود، و نشانه‌هایش از میان نرود.<sup>۶</sup>

علامه تمامیت حجّت خدا بر بنده را مقتضای براهین یاد شده می‌داند که این تمامیت، مصادیق متعددی دارد. ایشان مضمون این‌گونه احادیث را در این می‌داند که انسان کامل معصوم علیه‌السلام، یعنی خلیفه راستین الهی همواره در زمین موجود است و امروز آن خلیفه خدا وجود مبارک حضرت ختمی امامت، مهدی علیه‌السلام منتظر علیه‌السلام است که با عنایات و الطاف او، عالمان

۱. «لو بقیت الأرض بغير إمام، لساخت». (کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۷۹).

۲. «لو خلت الأرض ساعة واحدة من حجة الله، لساخت بأهلها». (مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۱۳).

۳. ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۱۵.

۴. نور: ۳۵.

۵. جوادی آملی، امام مهدی علیه‌السلام موجود موعود، ص ۷۹.

۶. عن علی علیه‌السلام: «اللهم بلي! لا تخلو الأرض من قائم لله بحجة؛ إنا ظاهراً مشهوراً و إنا خائفاً مغموراً، لئلا تبطل حجج الله و بیناته» (نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷، بند ۱۱).

دین و نایبان عام آن حضرت، مانع باطل شدن حجج خدا و بیّنات او می‌شوند.<sup>۱</sup>

### ۲-۳-۲. روایات مربوط به نام و ویژگی‌های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه

در روایات فراوانی که سخن از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه به میان آمده، به نام آن حضرت تصریح شده است. روایت‌های متعددی در این زمینه در آثار روایی وجود دارند که به اختصار، آنچه را علامه در آثار خود بیان فرمودند، مطرح می‌شود:

یکی از القاب مشهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه - که مسلمانان، منجی موعود را به این عنوان می‌شناسند - «مهدی» است. «مهدی» به معنای هدایت یافته و هدایتگر است. در واقع، او تجلی واقعی «هدایت و راهنمایی» انسان‌ها در مهم‌ترین برهه از تاریخ است. آن حضرت، همه انسان‌ها را به اوج کمال و تعالی می‌رساند و از ضلالت و فساد نجات خواهد داد.

در وجه تسمیه «مهدی» از امام صادق علیه السلام رسیده است که: «قائم عجل الله تعالی فرجه را بدان دلیل مهدی می‌گویند که مردم را به امری که گم کرده‌اند، هدایت می‌کند؛ به این دلیل که وی به تمام امور پنهان هدایت می‌شود.»<sup>۲</sup>

حضرت خاتم انبیا، محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم، به وجود مهدی عجل الله تعالی فرجه مباهات می‌کند. وقتی آن وجود مبارک، مفاخر اهل بیت علیهم السلام را برای سیده زنان عالم فاطمه زهرا علیها السلام شرح می‌داد، از مهدی منتظر موعود و موجود عصر ما سخن گفت<sup>۳</sup> و فرمود: «مهدی این امت از ماست.»<sup>۴</sup> بدین سان، به وجود حضرتش مباهات کرد و او را از مفاخر اهل بیت علیهم السلام برشمرد؛ چنان‌که در روایتی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آمده است:<sup>۵</sup>

بهشت مشتاق چهار نفر از اهل من است، خدا آن‌ها را دوست دارد و من نیز به دوستی آن‌ها مأمور هستم. آن چهار نفر عبارتند از: علی بن ابی طالب، حسن، حسین و مهدی عجل الله تعالی فرجه؛ همان کسی که عیسی بن مریم علیها السلام پشت سر وی نماز

۱. جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ج ۲۲، ص ۲۳۵.  
 ۲. «إنما سَمِّي القائم مهدياً لأنه يهدي إلي أمر مصلوٍ عنه»، «لأنه يهدي إلي كل أمر خفي» (مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۰).  
 ۳. جودی آملی، امام مهدی موعود موجود، ص ۵۷.  
 ۴. «و منّا مهدي هذه الأمة». (مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۷۰).  
 ۵. همان، ج ۱، ص ۱۶۴.

می خواند.<sup>۱</sup>

از امام باقر علیه السلام نیز فرمود:

هنگام اخذ میثاق بر توحید و یگانگی خدا، رسالت رسول خدا و ولایت جانشینان او نیز بر انسان‌ها عرضه شد. همچنین از جانب پروردگار عالم به آن‌ها گفته شد: به وسیله «مهدی» دینم را یاری می‌کنم، دولت‌م را به وسیله او برتری می‌بخشم و با دست او از دشمنانم انتقام می‌گیرم و با تلاش و کوشش او پرستش می‌شوم.<sup>۲</sup>

علاوه بر نام حضرت، ویژگی‌های حضرت حجت را می‌توان در میان روایات جست‌وجو کرد. علامه جوادی معتقد است، مهدی وصف همه پیامبران است؛ چنان‌که وصف همه امامان معصوم علیهم السلام است. ایشان در تفسیر واژگان زیارت جامعه کبیره، واژه «المهدیون» را توضیح و تفسیر می‌دهد. از منظر ایشان، مهدی وصف همه پیامبران و امامان به معنای هدایت‌شدگان الهی است. «مهدیون» جمع مهدی است. «مهدی» به معنای هدایت‌شده است. هدایت‌کردن دیگران و «هادی» بودن، یکی از این کمالات است که اصالتاً و استقلالاً از آن خداست: «قل الله یهدی للحق»<sup>۳</sup>. نیز به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «قل إني هداني ربِّي إلی صراط مستقیم»<sup>۴</sup>. چنان‌که اسحاق، یعقوب، داود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی، هارون، زکریا، یحیی، عیسی، الیاس، اسماعیل، یسع، یونس، لوط، پدرانشان، فرزندانشان و برادرانشان با هدایت الهی در صراط مستقیم قرار گرفتند: «أولئك الذین هدی الله»<sup>۵</sup>.

۱. «إِنَّ الْجَنَّةَ تَشْتَاقُ إِلَيَّ أَرْبَعَةً مِنْ أَهْلِ قَدِّ أَحَبَّهُمْ اللَّهُ وَأَمْرُنِي بِحَبِّهِمْ: عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَالْحَسَنُ، وَالْحُسَيْنُ وَالْمَهْدِيُّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمُ الَّذِي يَصَلِّيْ خَلْفَهُ عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ» (همان، ج ۴۳، ص ۳۰۴).

۲. «... ثُمَّ أَخَذَ الْمِيثَاقَ عَلَيَّ النَّبِيِّينَ فَقَالَ: أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ وَأَنْ هَذَا مُحَمَّدٌ رَسُولِي وَأَنْ هَذَا عَلِيُّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ؟ قَالُوا: بَلَى فَنَبِّتَ لَهُمُ النَّبُوَّةَ وَأَخَذَ الْمِيثَاقَ عَلَيَّ أَوْلِيَّ الْعِزْمِ أَنِّي رَبِّكُمْ وَمُحَمَّدٌ رَسُولِي وَعَلِيُّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَأَوْصِيَاؤُهُ مِنْ بَعْدِهِ وَلَاؤُهُ أَمْرِي وَخَزَانِ عِلْمِي وَأَنْ الْمَهْدِيَّ أَنْتَصِرَ بِهِ لِدِينِي وَأُظْهِرَ بِهِ دَوْلَتِي وَأَنْتَقِمَ بِهِ مِنْ أَعْدَائِي وَأُعْبَدَ بِهِ طَوْعاً وَكَرْهاً. قَالُوا: أَقْرَرْنَا يَا رَبِّ وَشَهِدْنَا...» (كليني، الكافي، ج ۲، ص ۸).

۳. یونس: ۳۵.

۴. انعام: ۹۰.

۵. جوادی آملی، ادب فنای مقربان، ج ۳، ص ۲۳۶.

بنابراین، هیچ کس حتی انبیای اولوالعزم از هدایت الاهی بی‌نیاز نیستند و بدون آن، کسی به منزل مقصود راه نمی‌برد. همه انبیای الاهی، پیش از آن‌که «هادی» دیگران باشند، «مهدی» (هدایت شده) از سوی خدا هستند؛ زیرا تا خود مهدی نباشند، قدرت هدایت دیگران را ندارند. آن پیشوایان نور از جانب حق تعالی هدایت شدند تا بتوانند هادی امت شوند. از منظر علامه، معنای طلب هدایت انسان‌های هدایت یافته این است که علاوه بر ثبوت قدم در راه هدایت، مرتبه بالاتر از هدایت، نصیبشان گردد؛ هر چند که مطلوب دیگران از خدای سبحان با مطلوب انسان کامل معصوم از خداوند قابل مقایسه نیست.<sup>۱</sup>

## ۲. خصوصیات حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه علامه جوادی

باور به امامی که تداوم بخش جریان نبوت، برخوردار از عصمت و علم برتر و نیز منصوص و منصوب از جانب خداوند است؛ نقطه آغاز اختلاف در حوزه عقاید و کلام اسلامی محسوب می‌شود؛ به گونه‌ای که می‌توان ادعا کرد قبول یا رد چنین عقیده‌ای، منشأ دیگر عقاید و احکام متفاوت مذاهب اسلامی است. کسی که باور دارد از جانب خداوند، برای پیامبر صلی الله علیه و آله، جانشینانی معصوم معرفی شده است؛ به یقین، اصول دین (عقاید)، فروع دین (احکام) و مبانی اخلاق خود را از آن‌ها می‌آموزد و راه خود را از کسانی که چنین عقیده‌ای ندارند، جدا خواهد کرد. پس امام باوری بر هندسه معرفتی، عقیدتی و فقهی انسان، تأثیر مستقیم دارد.

### ۱-۲. عصمت، علم و منصوص بودن حضرت حجت

هر عاقل فرزانه‌ای که از وضع جهان و رفتار مردمان آگاه باشد، در ضرورت وجود رئیسی نافذ، مدیر و مدبر، برای جلوگیری از خصومت‌ها، تجاوزها و تباهی‌ها تردیدی به خود راه نمی‌دهد. با توجه به خاتمیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و استمرار شریعت و عدم نسخ آن تا روز رستاخیز، وجود شخصی به‌عنوان نگهبان، مرزبان و مرزدار آیین اسلام از هرگونه تغییر، تبدیل و تباهی ضروری است. همان‌طور که در جای خود بیان شد، بزرگان شیعه ضرورت وجود امام را بر مبنای قاعده لطف اثبات کرده‌اند. با توجه به جایگاه رفیع امام در اجتماع، برای او شرایط

۱. همان، ص ۲۳۶.



ویژه‌ای هست که او را از هر فرد دیگری از افراد امت، ممتاز می‌سازد که از آن جمله است: عصمت و نص و اعلمیت. بنابراین، به دلیل این که حضرت حجت دارای مقام امامت است، باید دارای صفات لازم امامت نیز باشد.

علامه جوادی بحث امامت را از زنده‌ترین بحث‌های کلامی، فقهی و اجتماعی بر می‌شمارد و منظور خود را از امامت، همان مقام منبع رهبری جوامع بشری با استمداد از وحی الاهی می‌داند.<sup>۱</sup> از دیدگاه ایشان، امامت دارای دو چهره است: «کلامی» و «فقهی». به اعتبار بُعد فقهی اش کنار نماز، روزه، حج، جهاد، زکات و مانند این‌ها قرار می‌گیرد که همه از ارکان فروع دین شمرده می‌شوند و آن بخش از مسئله امامت که عهده‌دار مسئله نصب و مشروعیت است، به فعل خدای سبحان باز می‌گردد؛ جزو اصول دین است و علم کلام عهده‌دار آن است؛ لکن چون پذیرش امام معصوم و اطاعت از رهبری او بر مردم واجب است؛ «تولاً» همانند نماز و روزه و زکات و حج و جهاد مسئله‌ای فقهی است. بنابراین، پذیرش امام معصوم همانند نماز از واجبات فرعی و فقهی است.<sup>۲</sup> نتیجه این بحث، محل بحث شیعه و اهل سنت در باب امامت است و نظر علامه جوادی در مورد جایگاه امامت در دو مکتب این است که از نظر شیعه، امامت جزو «اصول مذهب» است؛ در حالی که اهل سنت آن را از «فروع دین» می‌شمارند.

### الف) منصوص بودن و عصمت امام

از منظر علامه، تعیین امام در دیدگاه شیعیان، جزو اصول مذهب است؛ زیرا کسی می‌تواند امام باشد که نه تنها در ایفای وظیفه امامت و اعلام و اخبار احکام الاهی و تشریح و تبیین آن مرتکب خلاف، غفلت، سهو و نسیان نشود، بلکه در اعمال و وظایف فردی خود، گرفتار خلاف نگردد و نه تنها دستش به گناه دراز نشود و فکر گناه و تصمیم آن در دل او خطور نکند، بلکه فکر و اندیشه‌اش نیز از خطا و اشتباه مصون و محفوظ باشد. این، همان مقام والای عصمت است که علامه آن را جزو اسرار نهانی و نهایی انسان کامل می‌داند و از جمله شرایط نبوت نیز به حساب می‌آورد.<sup>۳</sup> همچنین از آن‌جا که از منظر ایشان، امامت از سنخ «ولایت» است.

۱. جوادی آملی، سرچشمه اندیشه، ج ۴، ص ۲۴۰.

۲. همان، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه موجود موعود، ص ۲۶.

۳. همان، عصاره خلقت، ص ۲۷.

بنابراین، ایشان عصمت را نیز در امام شرط می‌داند و معتقد است، عصمت مثل عدالت نیست که با تجربه به دست بیاید، بلکه عصمت دو عنصر محوری دارد: یکی «صیانت از خطا در علم» و دیگری «صیانت از خطیئه در عمل».<sup>۱</sup> علامه در توضیح مقام عصمت و نص امام می‌فرماید:

معصوم چنین کسی است که می‌تواند همه اسرار عالم را به تعلیم الاهی بفهمد و آنچه را در تعیین سعادت بشر نقش دارد، درست درک کند. باطن اشیا و اشخاص را به اذن خدا بنگرد و در این نگرش اشتباه نکند. این کار که جزو ملکات راسخه انسان کامل می‌شود، برای هیچ‌کس جز ذات اقدس الاهی و کسی که خدا بخواهد، قابل تشخیص نیست. از این جهت، شیعه معتقد است نصب و تعیین امام تنها بر عهده خدای عالم الغیب است.<sup>۲</sup>

ایشان در ادامه با استناد به آیه «لا ینال عهدی الظالمین»<sup>۳</sup> بیان می‌دارد که با توجه به این که خدای سبحان، ظالم بودن، یعنی ارتکاب کوچک‌ترین خلاف را مانع رسیدن مقام والای امامت و رهبری جامعه به ظالم می‌داند. بنابراین، عصمت، به معنای مصونیت، شرط اصلی امامت شیعیان است. بنابراین، اصل جامع و کلی درباره «عهد خدا» این است که هرگز به ظالم نمی‌رسد؛ یعنی امام مردم، چه به معنای «ملکی» و چه به معنای «ملکوتی» باید از ناحیه خدای سبحان منصوب شود. بنابراین، هرچند از امامت حضرت ابراهیم معنای ملکوتی آن استظهار می‌شود؛ عمومیت عهد خدا و این که هرگز عهد خدا، اعم از ملکی و ملکوتی به ظالم نمی‌رسد، سند معتبری است که می‌توان برای عصمت امامان به آن استناد کرد. لذا از جمله «لا ینال عهدی الظالمین» برمی‌آید که اولاً، مقام امامت، عهدی الاهی است؛ ثانیاً، آن مقام، موهبتی است، نه کسبی؛ ثالثاً، آن عهد الاهی به ظالمان نخواهد رسید. در مقابل، از منظر علامه، اهل سنت، عصمت را برای امام شرط نکرده‌اند و اساساً به چیزی به عنوان امامت الاهی قائل نیستند. آن‌ها عرش امامت را به فرش خلافت تنزل داده‌اند و آنچه را شیعه، «امام» و «امامت»

۱. همان، مقاله گفت‌وگوی مهدوی، پایگاه تخصصی مهدویت وعده صادق [www.alvadossadegh.com](http://www.alvadossadegh.com)

۲. همان، عصاره خلقت، ص ۲۸.

۳. بقره: ۱۲۴.

می‌نامد، آنان به «خلیفه» و «خلافت مردمی» تعبیر می‌کنند و لذا امام را مانند سایر رهبران عادی می‌دانند که با انتخاب مردم رسمیت پیدا می‌کند و معتقدند که مثلاً در سقیفه بنی‌ساعده نیز می‌توان او را برگزید و به نصب و تعیین الاهی نیازی نیست. بدین ترتیب، امامت و تعیین رهبر را کاری مردمی و جزو فروع دین می‌دانند که در فقه باید از آن بحث کرد و اگر در علم کلام از امامت بحث می‌کنند برای آن است که درباره آن نظر منفی بدهند و آن را رد کنند؛ وگرنه در بحث کلامی دنبال اثبات آن نیستند.<sup>۱</sup>

علامه، تفاوت اصلی دو مکتب شیعه و سنی را در این می‌داند که بر اساس بینش شیعه، ارکان حکومت بر محور شایسته‌سالاری، یعنی «عصمت» بنا نهاده می‌شود و کسی بر اریکه قدرت خواهد نشست که از قابلیت و شایستگی لازم برخوردار باشند، بر خلاف بینش اهل سنت.<sup>۲</sup>

### ب) علم امام

مقام علم امام عصر عجله تعالی فرجه در منظر علامه، از بالاترین حد برخوردار است؛ چرا که خدای حکیم مردم را پیرو مکتبی قرار می‌دهد که آن مکتب از لحاظ قانون، فقه، حقوق، اخلاق و عقاید به نصاب کمال و به حدّ تمام بار یافته باشد. همچنین جامعه را مطیع رهبری می‌گرداند که از جنبه علم و عمل صالح به عصمت علمی و عملی رسیده و از شک و تردید، سهو و خطا و نسیان مصون باشد؛ یعنی انسان‌های کاملی که مصداق بارز آنها اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام، به ویژه حضرت حجت عجله تعالی فرجه، همانند اصل مکتب، هم کامل‌اند و هم معصوم از خطا و هم مصون از تهاجم بیگانه.<sup>۳</sup>

علامه معتقد است، خلیفه‌الله، تنها شخصی است که می‌تواند عصمت مطلقه را بازتابد و تجلی بخشد. خلیفه‌الله، همان انسان کاملی است که مظهر و جامع همه اسمای الاهی است. انسان کامل، مظهر همه اوصاف خداوند، مانند علم است. علم خداوند، شهود محض و حضور صرف است. پس، جایی برای سهو و نسیان و لغزش و خطا و جهل و عدم علم جایی باقی

۱. جوادی آملی، عصاره خلقت، ص ۲۹.

۲. همان، ص ۳۰.

۳. ادب فنایی مقربان، ج ۴، ص ۱۰۳.

نخواهد گذاشت. بنابراین، در سرتاسر جهان هستی، انسان کاملی جز حضرت بقیه الله الأعظم، مهدی منتظر عجل الله تعالی فرجه نیست. او معلّم فرشتگان و آدمیان است و دارای عصمت مطلقه و «خلیفه الله الأعظم» است.<sup>۱</sup>

علامه جوادی، با استناد به روایتی علم امام زمان عجل الله تعالی فرجه را بازگو می‌کند و معتقد است،<sup>۲</sup> حضرت مهدی موجود موعود طبق بیان امام صادق علیه السلام، چنین شناخته می‌شود: «به احکام الاهی عالم است و همه مردم به او محتاج‌اند و آن حضرت به هیچ کس نیازی ندارد.»<sup>۳</sup>

## ۲-۲. نسب و طول عمر حضرت مهدی

با توجه به لزوم شناخت امام دوازدهم و لزوم شناسایی منجی موعود، ائمه اطهار در احادیث متعددی، گاه به نقل از پدران و اجداد طاهرینش تا رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و گاه بدون نقل از ایشان، به معرفی سلسله نسب امام عصر عجل الله تعالی فرجه و یا سن آن حضرت می‌پرداختند.

همچنین، یکی از مهم‌ترین پرسش‌هایی که از دیرباز مطرح بوده و تاکنون نیز مطرح است و ذهن‌ها را به خود مشغول می‌دارد، مسئله طول عمر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه است که چگونه ممکن است یک انسان از سال ۲۵۵ هجری تاکنون زنده باشد؟ در پاسخ به این پرسش مهم، عالمان فرهیخته‌ای از حوزه اندیشه شیعی دست به قلم برده و آثار و مطالب ایشان، میراثی ارزشمند در میان مسلمانان، به‌ویژه شیعه به یادگار مانده است.<sup>۴</sup> در این قسمت، دیدگاه‌های علامه جوادی نسبت به دو موضوع طول عمر و نسب امام عصر عجل الله تعالی فرجه بیان می‌شود.

علامه جوادی، نسب امام را تحت عنوان شجره مبارک مهدوی تبیین می‌کند و بر این دیدگاه است که فرقه‌های اسلامی در ضرورت وجود مهدی عجل الله تعالی فرجه اختلاف نظر ندارند؛ ولی در نسب و شجره ایشان اختلاف دیدگاه است. شیعیان به گواهی بسیاری از روایات اسلامی بر

۱. همان، وحی و نبوت در قرآن، ص ۲۳۸.

۲. همان، سروش هدایت، ج ۱، ص ۲۵۴.

۳. «بأی شیء یُعَرَف الإمام، قال علیه السلام: ... تعرّفه بالحلال والحرام و بحاجّة الناس إليه، و لا یحتاج إلی أحد» (مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۱۵۶).

۴. مهدی پور، راز طول عمر امام زمان از دیدگاه علم و ادیان، ص ۹۵-۹۶.

این باور صائب‌اند که مهدی عَلَيْهِ السَّلَام از شجره طیبه آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَام و نهمین فرزند حسین بن علی بن ابی طالب است. بزرگان و دانشمندان دنیای اسلام بر همین اعتقادند.<sup>۱</sup>

علامه جوادی از علامه شعرانی مؤلف کتاب شریف *یواقیت* از عارف نامدار، محیی‌الدین ابن عربی<sup>۲</sup> ذیل عنوان «اشراط الساعة» در باب ۳۶۶ از فتوحات این چنین نقل می‌کند:

بدانید که خروج مهدی حتمی است و او از عترت رسول‌الله (و از فرزندان فاطمه است و جدّ او حسین بن علی و پدر او حسن عسکری، فرزند امام علی نقی (با نون) فرزند محمد تقی (با تاء) فرزند امام علی الرضا، فرزند امام موسی الکاظم، فرزند امام محمد باقر، فرزند امام زین العابدین علی، فرزند امام حسین، فرزند امام علی بن ابی طالب می‌باشد.<sup>۳</sup>

علامه، ضبط دقیق اسمای اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام و «نقی» را با قید نون از «تقی» با قید «تاء» جدا ساختن، را نشان اهمیت موضوع و همّت بزرگان و دانشمندان علوم الهی در صیانت افکار جامعه اسلامی می‌داند.<sup>۴</sup> ایشان با ادامه سخن شعرانی، عمر حضرت را تذکر می‌دهد؛ چرا که شعرانی این مطلب را در سال ۹۵۸ نوشته است و چنین می‌گوید: «عمر شریف حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام در این تاریخ، ۷۰۶ سال می‌باشد.<sup>۵</sup>

همچنین ایشان روایت دیگری را برای سن حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام نقل می‌کند. این روایت ذیل تفسیر آیات مقطعه قرآن، بیان شده است. ایشان آیه «حم عسق» را عدد سنی حضرت حجت می‌داند.<sup>۶</sup>

۱. جوادی آملی، امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام موجود موعود، ص ۵۹.

۲. علامه جوادی در مورد شخصیت ابن عربی می‌فرماید: «محیی‌الدین [ابن عربی] در بین معارف اهل عرفان بی همتا و در عمودین زمان خویش (از گذشته تا کنون) بی نظیر می‌باشد. بسیاری از مبانی حکمت متعالیه و امدار عرفانی است که ابن عربی پایه‌گذار نامدار آن می‌باشد. بررسی مسایل اسلامی در مکتب ابن عربی نشان می‌دهد که هیچ‌کدام آنها بر مبنای اهل تسنن مطرح نشده، بلکه بر مبنای دقیق امامیه [شیعه] پایه‌گذاری شده است» (همان، آوای توحید، ص ۷۸ و ۸۲).

۳. شعرانی مصری حنفی، یواقیت و الجواهر فی بیان عقائد الاکابر، ج ۲، ص ۱۴۳.

۴. سرچشمه اندیشه، ج ۳، ص ۴۳۰.

۵. شعرانی مصری حنفی، یواقیت و الجواهر فی بیان عقاید الاکابر، ج ۲، ص ۱۴۳.

۶. عن یحیی بن ميسرة الخثعمي عن أبي جعفر عَلَيْهِ السَّلَام قال: «سمعته يقول: «حم عسق) عدد سني القائم» (بحرانی، ج ۴، ص

از دیدگاه علامه، روایات تفسیری حروف مقطعه قرآن به چند گروه تقسیم می‌شوند:<sup>۱</sup> روایاتی که حروف مقطعه را اجزای اسم اعظم الاهی می‌داند؛ روایاتی که این حروف را به نحو غالب، به اسمای الاهی و به نحو اجمال به مظاهر ویژه آن ناظر می‌داند؛ روایاتی که برخی از حروف مقطعه را به نام مبارک پیامبر اکرم ﷺ و روایاتی که حروف مقطعه را به مطالبی غیر از اسماء الله ناظر می‌داند و روایاتی که بر اساس آن‌ها برخی از حروف مقطعه نام موجودی خاص و شریف است. علامه ذیل دسته آخر که حروف مقطعه را مخصوص موجودی خاص می‌داند، حدیث مذکور را نقل می‌کند.<sup>۲</sup>

۱. جوادی آملی، تسنیم، ج ۲، ص ۱۱۰.

۲. همان، ص ۱۲۰.

## نتیجه گیری

علامه برای اثبات ولادت حضرت، از دلایل عقلی به همراه مستندات نقلی کمک می‌گیرد و به این نتیجه می‌رسد که امام معصوم دوازدهم متولد شده است. برهان عقلی امکان، برهان واسطه در فیض و برهان انسان کامل، براهین عقلی ایشان و حدیث ثقلین، حدیث معرفت امام، حدیث خالی نبودن زمین از حجت خدا و روایات دیگری به نقل از ائمه؛ همگی دلایل نقلی بودند که علامه برای اثبات وجود امام عصر عجل الله تعالی فرجه، اقامه فرمودند. نتیجه این براهین، اعتقاد به مهدی بودن شخصی خواهد بود که از عترت رسول الله صلی الله علیه و آله و از فرزندان فاطمه و جد او حسین بن علی و پدر او حسن عسکری است. امام عصر، دارای شرایط ویژه‌ای است که آن حضرت را از بقیه افراد امت جدا می‌کند؛ از آن جمله: «عصمت»، «نص» و «اعلمیت».

از منظر علامه، خدای حکیم مردم را پیرو مکتبی قرار می‌دهد که آن مکتب از لحاظ قانون، فقه، حقوق، اخلاق و عقاید به نصاب کمال و به حدّ تمام بار یافته باشد. همچنین خداوند، جامعه را مطیع رهبری می‌گرداند که وی از جهت «علم صائب» و «عمل صالح» به «عصمت علمی و عملی» رسیده باشد و در مقام «جزم علمی» و «عزم عملی» از شک و تردید، سهو و خطا و نسیان مصون باشد؛ و گرنه اعتراض بداندیشان همواره برقرار خواهد بود. انسان‌های کامل که مصداق بارز آن‌ها اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، به ویژه حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه هستند، همانند اصل مکتب، هم کامل‌اند و هم معصوم از خطا.

منابع

قرآن الکریم.

۱. ابن اثیر، علی بن محمد، **الکامل فی التاریخ**، دار صادر بیروت.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، **کمال الدین و تمام النعمه**، مترجم: محمدباقر کمره‌ای، اسلامیه تهران، ۱۳۷۷.
۳. \_\_\_\_\_، **من لا یحضره الفقیه**، مصحح: علی‌اکبر غفاری، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، ۱۴۰۴ق.
۴. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، **العبر: تاریخ ابن خلدون**، مترجم: عبدالمحمد آیتی، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، تهران، ۱۳۶۳.
۵. بحرانی، هاشم بن سلیمان، **البرهان فی تفسیر القرآن**، محقق: بنیاد بعثت، مؤسسه البعثه.
۶. جوادی آملی، عبدالله، **ادب فنای مقربان**، محقق: محمد صفایی، انتشارات اسراء، قم: ۱۳۸۸.
۷. \_\_\_\_\_، **امام مهدی عجل الله تعالی فرجه موجود موعود**، محقق: محمدحسن مخبر، انتشارات اسراء، قم، ۱۳۸۹.
۸. \_\_\_\_\_، **آوای توحید**، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۹۲.
۹. \_\_\_\_\_، **تفسیر تسنیم**، محقق: حسین اشرفی و روح‌الله رزقی، انتشارات اسراء، قم، ۱۳۸۹.
۱۰. \_\_\_\_\_، **سرچشمه اندیشه**، محقق: عباس رحیمیان محقق، انتشارات اسراء، قم، ۱۳۸۶.
۱۱. \_\_\_\_\_، **سروش هدایت**، بی نا، بی جا، بی تا.
۱۲. \_\_\_\_\_، **عصاره خلقت**، محقق: محمد صفایی، ۱۳۸۸.
۱۳. \_\_\_\_\_، **وحی و نبوت در قرآن**، محقق: علی زمانی قمشه‌ای، ۱۳۸۴.
۱۴. \_\_\_\_\_، **فلسفه صدرا**، تحقیق محمدکاظم بادپا، صدرا، ۱۳۸۷.
۱۵. \_\_\_\_\_، **پیام به همایش مهدویت**، چالوس، ۱۳۸۹/۸/۵.



۱۶. حسینی کوهساری، سید مفید، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه قم، هفته‌نامه افق حوزه، شماره ۳۱۶، پاسخ حضرت آیت‌الله جوادی آملی در آستانه فرارسیدن میلاد حضرت بقیت الله الاعظم عنه‌السلام به چهار پرسش مهدوی، ۱۳۹۰/۴/۲.
۱۷. حوزه علمیه قم (مرکز تخصصی مهدویت)، فصلنامه علمی ترویجی انتظار، شماره ۱۳، سخنرانی علامه جوادی در دیدار با محققین مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۹۳/۸/۸.
۱۸. جبل عاملی، پویا، روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۴۱۶۸، سخنرانی علامه جوادی در سیزدهمین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت در مدرسه علمیه امام کاظم علیه‌السلام ۲۱/۲/۱۳۹۶.
۱۹. رضوانی، علی اصغر، وجود امام مهدی عنه‌السلام در پرتو عقل، چاپ سوم، انتشارات مسجد جمکران، قم، ۱۳۸۶.
۲۰. سید مرتضی علم‌الهدی، علی بن الحسین، تنزیه الانبیاء و الائمه، مترجم: امیر سلمانی رحیمی، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۷.
۲۱. شعرانی مصری حنفی، عبدالوهاب بن احمد، یواقیت و الجواهر فی بیان عقائد الاکابر، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۷۶ق.
۲۲. طوسی، محمد بن حسن، الامالی شیخ طوسی، مترجم: صادق حسن‌زاده، انتشارات اندیشه هادی، قم، ۱۳۸۸.
۲۳. طوسی، محمد بن حسن، الغیبه، مترجم: مجتبی عزیزی، چاپ دوم، نشر مسجد جمکران، قم، ۱۳۸۷.
۲۴. طباطبایی، محمدحسین، شیعه در اسلام، مترجم: هادی خسروشاهی، بوستان کتاب قم، ۱۳۸۸.
۲۵. علم‌الهدی، علی بن الحسن، امامت و غیبت از دیدگاه علم کلام، محقق: واحد تحقیقات مسجد جمکران، نشر مسجد جمکران، قم، ۱۳۸۳.
۲۶. عزیزی، رمضان علی، مجله افق حوزه، شماره ۳۱۶، جلسه پرسش مهدوی از حضرت آیت‌الله جوادی آملی، ۱۳۹۰/۴/۲۹.

۲۷. فتلاوی، مهدی حمد، همراه با مهدی منتظر عَلَيْهِ السَّلَامُ وَآلِهِ، مترجم: بیژن کرمی، انتشارات مسجد جمکران، قم، ۱۳۸۶.
۲۸. کلینی، محمد بن یعقوب، **الكافی**، محقق: مرکز بحوث احیاء التراث، به کوشش محمدحسین درایتی، مؤسسه دارالحدیث، قم، ۱۴۳۰ق.
۲۹. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، **بحار الانوار**، دار احیاء التراث العربی بیروت، ۱۴۰۳ق.
۳۰. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، **الارشاد**، محقق: سید هاشم رسولی محلاتی، انتشارات علمیة الاسلامیه، تهران، .
۳۱. مهدی پور، علی اکبر، **راز طول عمر امام زمان از دیدگاه علم و ادیان**، نشر طاووس بهشت، تهران، ۱۳۷۸.
۳۲. نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد، **کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد**، شارح: علامه حلّی، مصحح: حسن حسن زاده آملی، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۳ق.
۳۳. نعمانی، محمد بن ابراهیم، **الغیبه**، مترجم: محمدجواد غفاری، نشر صدوق، تهران، ۱۴۱۸ق.
۳۴. شریف الرضی، محمد بن حسین، **نهج البلاغه**، محقق: صبحی صالح، انتشارات دار الهجرة، قم، .
۳۵. یوسفیان، مهدی، **امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَآلِهِ در قرآن**، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عَلَيْهِ السَّلَامُ وَآلِهِ تهران ۱۳۸۷.